

هنر مشهد مفتخر به صبا

یادی از احمدفخر صبا، بازیگر، کارگردان و برنامه ساز مشهدی رادیو و تلویزیون که ۱۸ اسفند ۱۳۹۹ درگذشت



طرح:حسین صافی/شهرآرا

باهوش، مرموز و خطرناک

از همان نخستین نت های تیتراژ سریال روی تصایر سیاه و سفید و سرخی که مارش وحشت می زدند، می شد فهمید با یک اثر جنایی نفس گیر رو به رویم . سروان محمدی (عبدالرضا کبری) تا آن روز پرونده های زیادی را زندگی کرده بود. اما این بار، باید پیگیر قتل نوازنده اکسترسی می شد که جسد سوخته اش به زحمت میان انبوه زباله ها قابل تشخیص بود. توی آن قسمتی که سروان محمدی، جسد دخترش را توی صندوق عقب اتومبیل پیدا کرد، «مزد ترس» میخ ماندگاری اش را میان سریال های تلویزیونی کوبید. نقطه عطف پرکششی که نه تنها مسیر داستان را تغییر داد که تماشاگران سریال را بی پلک زدن، به دیدن باقی ماجرا ترغیب می کرد. روزی که سرخ ها به سرانجام داستان رسید و قاتل ماجرا موفق شد از جنگ نیروهای پلیس فرار کند، تابوی شکست ناپذیری پلیس مقابل خلاف کاران در سریال های تلویزیونی شکسته شد. قاتل باهوش، مرموز و خطرناکی که ایفای نقش او برعهده کسی نبود جز احمد فخر. بازیگر مستعد و جوان مشهدی.

مشهد، اصفهان و ایتالیا

اوایل دهه ۴۰، احمد فخر یک جوان هجده نوزده ساله برومندی بود که می خواست با دیپلم علوم طبیعی، دانشجوی پزشکی شود. از بد یا خوب روزگار، اصفهان قبول شد. هم علاقه اش را داشت، هم استعدادش را. دو سالی را هم به هر زحمت بود دشواری مسیر مشهد تا اصفهان را به جان خرید و راهش را ادامه داد، اما بالاخره یک جایی در سال سوم پزشکی، دیگر نتوانست حریف غصه توی چشم های پدر و مادرش بشود. مادری که هر بار کاسه آب را پشت سرش می ریخت و از لای قرآن، یک ورق صدقه بیرون می کشید برای رفع بلا. با چشم های مضطرب و متمسک تمنا می کرد قید این رفت و آمدها را بزند و این قدر او را چشم به راه جاده ها تنها نگذارد. احمد بالاخره دست تسلیم بالابد و از سروکله زدن با مبانی پزشکی، متمایل شد سمت مدرسه عالی تلویزیون و سینما. کارشناسی اش که تمام شد، برای ادامه تحصیل

در مقطع کارشناسی ارشد، نگاهش را دوحث به سیاهی بی نهایت آسمان. عاشق ستاره ها بود. توی دنیای هزار نقش احمد، از پزشکی تا هنر و ستاره شناسی، می شد عاشقی کرد و خواند و آموخت. پس ناباورانه سر از رشته نجوم درآورد. بعد کارشناسی ارشدش که تمام شد دیگر برای خودش مردی شده بود. این بار، نه فقط راه جاده که از مسیر آسمان، خانه را به مقصدی دور ترک کرد. جوانی که تا دیروز قید پزشکی اصفهان را زده بود، حالا به مقصد ایتالیا پرواز می کرد برای تحصیل در مقطع دکترای رشته فلسفه، شیفتگی او به آموختن و مطالعه، تمامی نداشت. فرصتی که در مهد هنر و فلسفه، او را ترغیب کرد تا هم زمان در مقطع کارشناسی، نقی نیز به الهیات بزند و نیم نگاهی به عالم ادیان داشته باشد.

رادیو، تئاتر و تلویزیون

او بالاخره به ایران برگشت و بعد از گشت وگذار در عالم فلسفه و الهیات و ستاره شناسی، دوباره برگشت به عالم هنر و یک راست بعد سربازی سر از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی درآورد. فعالیت در رادیو، همچنان که بانویسندگی و اجرا و کارگردانی

صحیح و سالم توی خانه، زندگی اش را می کرد، با یک افزایش فشارخون ناگهانی. کارش کشید به بیمارستان و از میان هنر و بازیگری و نقاشی و خوش نویسی، افتاد روی تخت های سرد بیمارستان و سه ماهی را در بدترین احوالاتی که همه دلهره گریز از کرونا داشتند، میهمان کادر پزشکی بیمارستان قائم شد. حال و روزش تعریفی نداشت اما بالاخره حکم ترخیصش آمد و رفت خانه و با دست های پرمهر همسرش، نیره سادات رضوی، جان دوباره به رگ هایش دودید. کم کم داشت رنگ و رو باز می کرد و می شد همان احمد سرحال و خوش انرژی که این بار با نارا حتی در ناحیه کیسه صفرا به بیمارستان برگشت. دوباره همان بیمارستان و همان تخت های ناخوشی. توی ایام بستری، تمام سال های رونق و جوانی اش از مقابل چشمانش می گذشت. سال هایی که بارضا صابری روی صحنه می رفت و روزگاری باقامتی رشید و برنامه ریزان بازیگرانی بود که برای اکران فیلم هایشان به مشهد می آمدند و روی سن سینما با آن ها گفت و گومی کرد. اهالی فرهنگ و هنر شهر یکی یکی به ملاقاتش می آمدند. همه نفر به نفر می آمدند و آرام آرام اشک هایشان را پنهانکی از گوشه چشم های می گرفتند و ناباورانه به پژمردن مردی نگاه می کردند که روزگاری، از حرفه ای ترین هنرمندان این شهر بود. او اما سکوت بود و سکوت.

اجرا در مشهد داشت مهیای حضور در سالن های نمایش تهران می شد. نمایشی که هیچ دیالوگی در آن نداشت و دو ساعت تمام روی صحنه می رفت. همسر احمد با تمام توان برای بهبود حال او تقلا کرد، اما سرنوشت آن چیزی نبود که بشود با آن دست به گریبان شد. کمتر از دو هفته به آغاز سال نو مانده بود که بالاخره احمد از همه چیز دست کشید و در روزهای پایانی سال ۱۳۹۹، برای همیشه از میان مارفت و نماند تا شکفتن دوباره درختان را به تماشا بنشینند. امروز چهارمین سالروز درگذشت اوست.



برای مشاهده گزارش مکتوب و ویدئویی شهرآرا که دو هفته پیش از مرگ احمد فخر تهیه شده بود کد را اسکن کنید.

پاییز، پژمردگی و پریدن

سال ۱۳۹۹ است و کرونا رمق کادر درمان را گرفته. مابین پرشمار بیمار گرفتار کووید، احمد فخر که

روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی صاحب امتیاز

شماره ۴۴۴۸ شماره ۸ رمضان ۱۴۴۱ ۱۹ اسفند ۱۴۰۳

مدیرمسئول: سید میثم موسوی مهر سردبیر: سید سجاد طالع هاشمی

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸-۳۷۲-۵۱۰-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

اشنبه

Mashhadchehreh.ir Photoshahr.ir

مسایط شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق نامه اخلاق حرفه ای

دمای هوای مشهد

۹۵٪ رطوبت هوا

صبح ۸ ظهر ۱۰ شب ۸

عصر ۱۰

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۱:۵۹ نیمه شب شرعی ۲۳:۰۰:۰۲ غروب آفتاب ۱۷:۳۳:۳۱ اذان صبح فردا ۰۴:۲۵:۰۷ اذان مغرب ۱۷:۵۱:۴۵ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۴۹:۰۲

همان همیشگی نیست

حکایت

صبا

در نکوهش بداخلاقی

بانوی مسلمانی همواره روزه می گرفت و به نماز اهمیت بسیار می داد و

حتی شب را با عبادت و مناجات به سر می برد؛ ولی بداخلاق بود و با زبان

خود، همسایگانش را آزار می داد.

شخصی به محضر رسول خدا(ص) آمد و گفت: «فلان زن، همواره روزه می گیرد

و شب زنده داری می کند؛ ولی بداخلاق است و بانیش زبانش، همسایگان

را می آزارد.»

رسول اکرم (ص) فرمود: «در چنین زنی، خیری نیست و او، اهل دوزخ است».

مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۴

فروش نهال مثمر و غیر مثمر جهت عموم شهروندان

گل فصلی، بوته، پرچین، کود، سموم، خاک گلدان و باغچه و...

همراه با مشاوره گیاه پزشکی، آموزش شهروندی و خدمات امداد گیاه (نگهداری گل های آپارتمانی)

۱۵ الی ۲۵ اسفند ماه ساعت مراجعه: ۹ الی ۱۶

میدان غدیر - جنب بوستان ریحانه ابتدای بلوار شهید ابومهدی المهندس

تخفیف ویژه

میدان گلستان

نخستین روز شمار مشهور کشور

نشانی از تاریخ و هویت مشهد ۱۴۰۴

آنجکه در این محسول می بینید و آن را مشاهده کرده است معرفی جبرهای نامدار مشهد آشنایی با لغات مشهدی شعرها و ضرباتسل های مشهدی معرفی معاللات و کوفته های قدیم مشهد پیشینه های گردشگری در مشهد آشنایی با اولین های مشهد معرفی جاذبه های حرم مطهر رضوی

جهت سفارش عدد ۱۴۰۴ را به سرشماره ۰۷۲۸۹۳۰۰۰ پیامک و یا با شماره همراه ۰۹۹۰۵۵۴۶۰۹۲ تماس حاصل نمایید

نهار روز شماری است که تاریخ القصد ندارد